

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵ Scopus

صص ۱۶۹-۱۹۸

نقش ارزش‌های ملی در قدرت نرم و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی):

رقابت ژئوپلیتیک ایران و ترکیه

امیررهام شجاعی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

دکتر رضا سیمبر* - استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

سیدحسین موسوی کرمیری - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

چکیده

در منظومه پیچیده روابط بین‌الملل، قدرت نرم به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم مفهوم قدرت، به‌مثابه مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در تعمیق نفوذ راهبردی، ژئوپلیتیک و تأمین امنیت ملی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله با تمرکز بر ارزش‌های ملی به‌عنوان متغیر مستقل محوری، به واکاوی نقش این ارزش‌ها در تقویت قدرت نرم و در نتیجه، ارتقای امنیت ملی ایران می‌پردازد. پژوهش حاضر، این نقش را در چارچوب رقابت ژئوپلیتیک ایران با ترکیه به‌عنوان یک مطالعه موردی بررسی می‌کند. با توجه به سرمایه‌گذاری گسترده و فعال آنکارا در عرصه قدرت نرم، پرسش اصلی این است که استفاده ایران از مؤلفه‌های ملی قدرت نرم خود از جمله زبان و ادبیات فارسی و میراث تاریخی و تمدنی، به‌عنوان بخشی از منابع راهبردی غیرمادی برای تولید و قدرت نرم، چه تأثیری بر امنیت ملی ایران و به‌ویژه در رقابت‌های ژئوپلیتیک آن با ترکیه خواهد داشت؟ فرضیه مورد سنجش به این شرح است که استفاده هوشمندانه از این سرمایه‌های هویتی، نه تنها می‌تواند جایگاه رقابتی و موازنه‌ای ایران را در عرصه فرهنگی و تمدنی در مناطق حیاتی مانند قفقاز و آسیای مرکزی ارتقا بخشد، بلکه می‌تواند از طریق ایجاد جذابیت و مشروعیت، به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و تحکیم پایه‌های امنیت ملی در برابر رقبای منطقه‌ای مانند ترکیه منجر شود. این تحقیق با اتخاذ روشی تحلیلی-تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. یافته‌های آن می‌تواند چارچوبی مفهومی برای تدوین راهبردهای هوشمندانه‌تر در

سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی ایران در رقابت با بازیگران منطقه‌ای فراهم آورد.
واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، رقابت ژئوپلیتیک.

۱. مقدمه

نظریه‌های جریان اصلی در روابط بین‌الملل، به‌خصوص واقع‌گرایی، قدرت مادی اعم از نظامی و اقتصادی را مهم‌ترین منبع نفوذ و تأثیرگذاری جهانی در نظر می‌گیرند، اما بعضی از نظریه‌پردازان جریان اصلی و مشخصاً در پارادایم لیبرالیسم، انواع دیگری از قدرت را نیز مورد توجه قرار می‌دهند که جنبه‌ها و عناصر غیرمادی قدرت در عرصه بین‌المللی را نیز دارای اهمیت می‌دانند. تا جایی که اگر تأثیرگذاری قدرت غیرمادی یا نرم از قدرت مادی و سخت بیشتر نباشد، حداقل به همان اندازه مهم است. این نوع قدرت بر خلاف قدرت سخت به صورت غیرمستقیم و نامحسوس اعمال می‌شود. به این معنا که توانایی هدایت دیگران به خواستن و پی‌گیری اهداف مورد نظر از طریق شکل دادن به ارجحیت‌ها و منافع آنان را دارد. بر این اساس منابع قدرت نرم دارای‌ها و قابلیت‌هایی است که این جذابیت و جاذبه را تولید می‌کند (Dehghani Firouzabadi, 2016:89-90). جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای خاورمیانه، همواره به‌واسطه ویژگی‌های منحصربفرد ژئوپلیتیک، ژئوگرافیک، دموگرافیک و ژئوکالچر، در معرض تهدیدهای فراوانی از جنبه‌های گوناگون بوده است. تهدیدات چندگانه ناشی از تخصیصات میان اسرائیل و ایران، بی‌ثباتی‌های ناشی از ورود مهاجران، فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی در مرزهای شرقی، تهدیدات ناشی از حضور قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و چالش‌های ژئوپلیتیک در حوزه خلیج فارس، تهدیدات ناشی از انزوای استراتژیک ایران از طریق کریدورها و همچنین نفوذ روزافزون قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه در آسیای میانه و قفقاز و به‌ویژه خاورمیانه از زمان شروع ناآرامی‌های عربی تا حال حاضر که با فروپاشی دولت در سوریه به نظر می‌رسد که بر قدرت این کشور افزوده شده باشد، تنها بخش‌هایی از تهدیدات پیش‌رونده‌ای هستند که قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های متعددی مواجه می‌سازند. بر همین اساس، به‌واسطه وجود تهدیدهای گوناگون، بقا و زیست در محیط امنیتی پیرامون ایران، نه‌تنها مستلزم شناسایی صحیح و دقیق تهدیدها و عوامل آشوب‌ساز، بلکه مستلزم

اتخاذ رویکردها و رویه‌هایی است که قدرت ملی را دائماً افزایش دهند. استدلال فوق به این معنی است که محیط امنیتی پرچالش ایران و معمای امنیتی میان بازیگران، موجب اتخاذ یک راهبرد کلان همه جانبه است که در کنار افزایش قدرت کلاسیک، توجه ویژه‌ای به ابعاد نوظهور قدرت از جمله قدرت نرم داشته باشد. برای نیل به این مهم، استدلال مقاله حاضر این است که بهره‌گیری از قدرت نرم در کنار قدرت سخت، نه تنها یک شیوه اثرگذار برای پیش‌برد اهداف، بلکه یک ضرورت برای تأمین امنیت ملی است. بهره‌گیری اثربخش از قدرت نرم، مستلزم شناخت منابع قدرت نرم و همچنین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از آنهاست. بر همین اساس، با توجه به اینکه اولاً محیط امنیتی پیرامون ایران، پرچالش و سرشار از تهدید است و دوماً از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران از منابع متعدد قدرت نرم برخوردار است، هدف مقاله پیش‌رو، بررسی اثرگذاری قدرت نرم، مبتنی بر ارزش‌های ملی و تاریخی، بر ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که در بخش مصادیق با قدرت نرم ترکیه مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. برای نیل به این هدف، پس از شرح مفاهیم نظری پژوهش، منابع قدرت نرم ایران برشمرده خواهند شد و سپس با اشاره به تهدیدات ناشی از نفوذ ترکیه در محیط پیرامونی ایران و نفوذ نرم آن در برخی کشورها، تأثیر بهره‌گیری از ارزش‌های ملی در قدرت نرم بر ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مورد تبیین قرار خواهد گرفت. روش انجام پژوهش تحلیلی-تبیینی، ماهیت آن توسعه‌ای-کاربردی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است که با روش تحلیلی-تبیینی انجام شده است. هدف این تحقیق، کاربردی بوده و در پی ارائه راهکارهای عملی برای تقویت قدرت نرم ایران در رقابت ژئوپلیتیک با ترکیه است. با توجه به سه بخش اصلی در یافته‌های پژوهش، روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به این شکل بوده است که ابتدا منابع مرتبط به قدرت نرم ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس در بخش دوم با ترکیب داده‌های بخش اول و ادبیات نظری، به تبیین رابطه علی و معلولی بین بهره‌گیری از قدرت نرم و امنیت ملی پرداخته شده است تا چارچوبی برای تحلیل این رابطه ایجاد شود. در بخش سوم و نهایی با کنار هم گذاشتن یافته‌های دو بخش پیشین

در مورد ایران و داده‌های گردآوری شده درباره ترکیه، یک تحلیل مقایسه‌ای نظامند از نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای دو کشور در عرصه رقابت ژئوپلیتیک از مجرا قدرت نرم انجام شد. این مقایسه به صورت تطبیقی و در چارچوب قدرت نرم صورت پذیرفت.

۳. پیشینه پژوهش

در حال حاضر آثار متعددی در رابطه با قدرت نرم ایران وجود دارد که بیشتر آن‌ها به بررسی شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده جمهوری اسلامی ایران برای افزایش قدرت نرم و نفوذ خود پرداخته‌اند. واستنیدگ^۱(۲۰۱۵)، در مقاله خود تحت عنوان «ویژگی‌های قدرت نرم ایران: از دیپلماسی فرهنگی تا جنگ نرم»، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تهران به دنبال ارائه وسعت نفوذ فرهنگی خود در سطح بین‌المللی است. این مقاله همچنین با کاوش در دیپلماسی عمومی ایران در سطح بین‌المللی، نشان می‌دهد که چگونه انگیزه‌های جمهوری اسلامی نه تنها باید در چارچوب جنبه‌های غالباً حساس، مادی یا سخت سیاست خارجی آن، بلکه در چارچوب میل به فرافکنی فرهنگ خود از طریق ابزارهای نرم‌تر قرار گیرد. جنکینز^۲(۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بنیادها به مثابه ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی»، به بررسی نقش کمکی برخی سازمان‌ها از جمله سازمان‌های بنیادی و نهادی تأسیس شده توسط ایران به افزایش نفوذ نرم در کشورهایمانند عراق، لبنان، افغانستان و سوریه می‌پردازد. اکبرزاده و بری^۳(۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان «هویت دولتی در سیاست خارجی ایران»، با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه به نقش و رابطه میان سه عنصر مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یعنی ایران‌گرایی، اسلام و تشیع پرداخته‌اند. این مقاله دریافته است که هر یک از این عناصر در توضیح تناقضات آشکار در رویکردهای رهبران ایرانی، به‌ویژه در مواردی که ایران‌گرایی با ارزش‌های مذهبی هم‌خوانی چندانی ندارد، بسیار مهم است. یودیکه^۴(۲۰۱۸)، در مقاله منتشر شده در اندیشکده بروکینگز^۵

1.Wastnidge

2.Jenkins

3.Barry

4.Jödick

5.Brookings

با عنوان «قدرت نرم مذهبی در قفقاز جنوبی: نفوذ ایران و ترکیه»، این استدلال مهم را مطرح می‌کند که، نفوذ مذهبی ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی همچنان محدود است و دین مطمئناً کلید درک نفوذ این دو قدرت در قفقاز جنوبی نیست و هیچ یک از روابط دوجانبه مورد بحث، اساساً بر پایه‌های مذهبی بنا نشده‌اند. اکبرزاده و همکاران (۲۰۲۱)، در مقاله‌ی «قدرت نرم، پویایی قدرت سخت: مورد ایران در افغانستان»، از داده‌های یک نظرسنجی اولیه و مصاحبه‌های حضوری برای ارزیابی نفوذ ایران در افغانستان استفاده کرده‌اند. این مطالعه به بررسی واکنش در افغانستان به ارکان کلیدی اعمال قدرت نرم ایران می‌پردازد که عبارتند از؛ نقش زبان و فرهنگ مشترک، دین و ایدئولوژی جهان سوم تهران در مقاومت در برابر قدرت‌های غربی. این تحقیق نشان می‌دهد که استراتژی اعمال قدرت نرم ایران به دلیل عدم تعادل ساختاری قدرت سخت بین دو کشور و سیاست‌های متناقض تهران در قبال افغانستان تضعیف می‌شود. مجیدی و شجاعی (۲۰۲۱)، در مقاله‌ی «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تصویر برساخته از ایران در آسیای مرکزی»، به بررسی نقش دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تصویر ایران در کشورهای آسیای مرکزی می‌پردازند. این مقاله نشان می‌دهد که تصویر ایران در کتاب‌های تاریخ آسیای مرکزی کم‌اهمیت یا تحریف‌شده باقی مانده و این درحالی است که سیاستگذاران ایرانی صرفاً به‌طور پراکنده به میراث فرهنگی و مؤلفه‌های قدرت نرم خود اتکا کرده‌اند، بدون آنکه به‌صورت ساختاری و تأثیرگذار درصدد انجام آن باشند. نویسندگان همچنین تأکید دارند که اهمیت انفعال یا ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی زمانی افزایش می‌یابد که آن را در کنار تلاش‌های اخیر ترکیه برای تدوین مشترک کتاب‌های درسی تاریخ در کشورهای منطقه قرار دهیم. نوریان و گودرزی (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان»، با رویکرد تطبیقی، به قدرت نرم ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان پرداخته‌اند. در این پژوهش بیان شده است که ترکیه از مؤلفه‌های مذهبی، زبانی، قومی و حکمرانی عرف‌گرا جهت پیشبرد قدرت نرم خود در جمهوری آذربایجان استفاده می‌کند و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در جمهوری آذربایجان شامل عناصر فرهنگی-مذهبی و رویکرد

میانجیگرانه در جریان مناقشات جمهوری آذربایجان مانند بحران قره‌باغ است. اکبر^۱(۲۰۲۳)، در مقاله‌ی «قدرت نرم ایران در خاورمیانه از طریق ترویج زبان فارسی»، به بررسی چگونگی استفاده ایران از زبان فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع فرهنگی برای تقویت قدرت نرم خود پرداخته است. مظفری و اکبر^۲(۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با عنوان «قدرت نرم ایران در آذربایجان: پویایی‌های فرهنگی متغیر در دوران پس از فروپاشی شوروی»، استدلال می‌کنند که نفوذ نرم ایران در جمهوری آذربایجان با موانع متعددی مواجه بوده و در مجموع به نظر می‌رسد که ایران در این زمینه چندان موفق نبوده است. مظفری و اکبر^۳(۲۰۲۳)، در پژوهشی دیگر با عنوان «دیپلماسی میراث و رقابت قدرت نرم بین ایران و ترکیه: ادعاهای رقیب بر سر مولوی و نوروز»، نحوه استفاده این دو کشور از برخی میراث مشترک مانند مولوی و نوروز را به‌عنوان ابزار قدرت نرم برای تقویت نفوذ و قدرت خود در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی در سطح خارجی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه حاصل از این پژوهش مبتنی بر این استدلال است که برخلاف ادعاهای ایران، واکنش این کشور در رقابت با ترکیه، بیشتر از آنکه پیشگیرانه باشد، واکنشی بوده است. و در نهایت کاوچی^۴ و بوننفانت^۵(۲۰۲۳)، در پژوهش خود با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در قبال آسیای مرکزی: ظهور منطقه‌گرایی و قدرت نرم»، به سیاست‌های مربوط به قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی پرداخته‌اند. نویسندگان استدلال می‌کنند که تعامل ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی به تدریج افزایش یافته و به سطحی رسیده است که ترکیه قادر است قابلیت‌های قدرت نرم و سخت خود را در پارامترهای منطقه‌ای به طور مؤثر ترکیب کند. همچنین تأکید می‌کنند که آسیای مرکزی فرصتی بی‌نظیر برای ترکیه فراهم کرده است تا با استفاده از منابع قدرت نرم خود برای اولین بار، سیاست خارجی خود را در چارچوب منطقه‌ای تغییر شکل دهد. با استناد به پیشینه پژوهش حاضر، در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً به توصیف پراکنده ابزارهای قدرت نرم ایران یا مقایسه سطحی آن با ترکیه پرداخته‌اند، این پژوهش سعی دارد سرمایه هویتی و

1.Akbar

1.Kahveci

2.Bonnenfant

ارزش‌های ملی ایران (شامل زبان فارسی، میراث تمدنی مشترک و عمق مذهبی) را نه به‌عنوان مؤلفه‌هایی ایستا، بلکه به‌عنوان متغیر مستقل راهبردی در نظر بگیرد و با ارائه یک چهارچوب تحلیلی یکپارچه، مکانیسم تبدیل این سرمایه به «قدرت نرم مؤثر» و در نهایت تقویت «امنیت ملی» در عرصه رقابت ژئوپلیتیک با ترکیه را واکاوی کند. این پژوهش با عبور از توصیف صرف، به تبیین این مسئله می‌پردازد که چرا با وجود برخورداری از چنین سرمایه غنی، خروجی قدرت نرم ایران در مقایسه با ترکیه اغلب ضعیف‌تر ارزیابی شده است. بنابراین، نوآوری این مطالعه هم در سطح نظری و ارائه یک مدل تحلیلی جدید مبتنی بر ارزش‌های ملی و هم در سطح کاربردی و ارائه راهبردهای عملیاتی برای پوشش دادن خلأهای شناسایی‌شده در مقالات دیگر بوده و پاسخی مستقیم به یافته‌های مقالاتی است که بر ناکارآمدی رویکرد کنونی ایران تأکید داشته‌اند.

۴. مفاهیم نظری پژوهش

۴-۱. قدرت نرم

بیش سستی قدرت که در میان محققان سیاست بین‌الملل غالب است، تحت تأثیر دیدگاه رئالیستی می‌باشد. واقع‌گرایان تمایل به حمایت از مفهوم سخت قدرت دارند و به این ایده که ملت‌ها از منابع مادی برای تأثیرگذاری بر سایر ملت‌ها استفاده می‌کنند، می‌پردازند (Barnett and Duvall, 2005:40). این اتکای اساسی بر قدرت محسوس از خلوص تفاسیر واقع‌گرایانه که از هرج و مرج ناشی می‌شود، در بنیادی‌ترین شکل‌های خود از تفاسیر متعارف رئالیستی در گزارش‌ها بزرگ‌تر از وضعیت طبیعت تأثیر پذیرفته و شرایط هرج و مرج، که در آن هیچ قدرت مشترکی بالاتر از بازیگران برای حفظ هیبت آنها وجود ندارد، تعریف می‌شود و بازیگران را به سمت بهینه‌سازی منابع قدرت ملموس یعنی قدرت سخت سوق می‌دهد (Gallarotti, 2011:25-45). اما در مقابل آن، مفهوم قدرت نرم از زمانی که در سال ۱۹۹۰ توسط جوزف نای معرفی شد، عموماً به‌عنوان یک تعریف جدید توسط دانشگاهیان و سیاستمداران در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته و در رابطه با آن نیز مباحثات بسیاری صورت گرفته است. قدرت نرم در سال‌های اخیر توجه فراوانی را در بحث‌های علمی و عمومی در مورد روابط خارجی به خود جلب کرده است. تغییرات در سیاست‌های مدرن جهان ارزش و جایگاه قدرت نرم را افزایش داده است و با

پیشنهاد شرایطی، تصمیم‌گیرندگان را تشویق می‌کند تا استراتژی‌های قدرت نرم را اهمیت داده و به‌طور مؤثر به کار بگیرند. در چنین شرایطی مفهوم قدرت نرم به‌طور قابل توجهی در سلسله مراتب مباحث علمی و عمومی در امور خارجی در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این مفهوم که اولین بار توسط جوزف نای به‌عنوان استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد شاکله‌بندی شد، در ساده‌ترین تعریف خود به معنای «توانایی تأثیرگذاری و اعمال نفوذ بر دیگران برای دستیابی به نتایج مورد نظر و دلخواه» یا اجبار آن دیگری به انجام کاری که در غیر این صورت حاضر به انجام آن نبوده است بیان می‌شود (Dehghani Firouzabadi, 2016:75). بر اساس تعریف نای، قدرت سخت را می‌توان قدرت کمی در نظر گرفت (Nye, 2013:24). در صورتی که قدرت نرم توانایی برای شکل دادن به اولویت‌های دیگران تعریف می‌شود و همراهی‌کننده برای نجات خود با استفاده از هویج‌ها و چماق‌ها است (Nye and Other, 2016:42-43). نای در تعریف دیگر، قدرت نرم را توانایی تأثیرگذاری از طریق ابزارهای همدست‌کننده و همکاری‌جویانه تنظیم دستور کار، تشویق، اقناع، جاذبه و جذب برای دستیابی به نتایج مطلوب» تعریف می‌کند (Nye, 2011:20-21; Nye, 2023:36). وی همچنین قدرت را توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای به دست آوردن نتایجی می‌داند که ترجیح اعمال‌کننده آن است. این رویکرد می‌تواند با اجبار^۱، پرداخت^۲، یا جذب^۳ و متقاعد کردن^۴ انجام شود (Nye, 2017). نای قدرت نرم را به‌عنوان قدرت جذب یک ملت، در مقابل قدرت سخت اجبار که در ابعاد نظامی یا اقتصادی ذاتی است، تعریف کرد. مطابق این استدلال، قدرت نرم از فرهنگ یک ملت، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی آن نشأت می‌گیرد (Nye, 1990, 2003, 2004). در تعاریف دیگر، نای قدرت نرم را «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای به دست آوردن نتایج مطلوب» (Nye, 2004)، و از نظر رفتاری به جاذبه^۵ تشبیه کرد. در مقایسه با قدرت سخت، «قدرت نرم ظرفیتی است برای متقاعد

-
- 1.Coercion
 - 2.Payment
 - 3.Attraction
 - 4.Persuasion
 - 5.Attraction

کردن دیگران برای انجام آنچه می‌خواهد» (Wilson, 2008: 114). قدرت نرم «زمانی محقق می‌شود که کشوری بدون استفاده از اقداماتی مانند مداخله نظامی یا تحریم‌های اقتصادی، کشورهای دیگر را وادار کند آنچه را که او می‌خواهد، بخواهند» (Nye, 1990: 166). و نهایتاً در حالی که منابع مرتبط با قدرت سخت شامل موارد ملموسی مانند زور و پول است، منابع مرتبط با قدرت نرم شامل عواملی مانند نهادها، ایده‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ و مشروعیت می‌باشد (Nye, 2011). با این تعاریف؛ بخشی از ویژگی‌های قدرت نرم را می‌توان این‌گونه برشمرد که؛ ۱. دارای بعد ساختاری و غیرمستقیم است، ۲. دارای تأثیرات پراکنده و نفوذ فراگیر است، ۳. قابلیت سرمایه‌گذاری برای آینده را دارد، ۴. در بلندمدت آثارش نمایان می‌شود، ۵. تأثیرگذاری آن به تمایل بازیگران تحت تأثیرش بستگی دارد، ۶. موفقیت آن در عصر ارتباطات به چگونگی استفاده از قابلیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی بستگی دارد و در نهایت ۷. هر چقدر گستره آن بیشتر باشد و نقش دیگران در ارزش‌ها مشخص‌تر در نظر گرفته شود، میزان تمایل برای همکاری را بیشتر می‌کند (Dehghani Firouzabadi, 2021: 190). از منظر دیگر می‌توان گفت که قدرت نرم نشان‌دهنده نوعی فراقدرت^۱ است، فراقدرت موقعیت‌هایی را توصیف می‌کند که در آن روابط قدرت خود در میان مجموعه بزرگ‌تری از روابط اجتماعی تعبیه شده‌اند که بر آن روابط و در نتیجه، بر نتایج نهایی که از تعاملات بین بازیگران ناشی می‌شود، تأثیر می‌گذارد و بر ساختارهای مرزهای چانه‌زنی توسط فرآیندهایی که در روابط اجتماعی بزرگتری که در آن تعبیه شده‌اند و در جریان است، تعیین می‌شود (Gallarotti, 2011; Hall, 1997: 405). فراقدرت به شکل‌دهی روابط و ساختارهای اجتماعی و موقعیت‌هایی که از طریق تغییر ماتریس امکانات و جهت‌گیری‌هایی که کنش اجتماعی در آن رخ می‌دهد اشاره دارد (Gallarotti, 2011: 30-45). نای همچنین از قدرت نرم به‌عنوان کنترلی بر دستورکار سیاسی^۲ یاد می‌کند (Nye, 2004: 9). البته بهره‌مندی یک کشور از منابع بالقوه‌ی قدرت نرم لزوماً به‌معنای توانایی بهره‌مندی از آن در عمل نیست، بلکه لازم به ذکر است که فعلیت بخشیدن به منابع قدرت نرم با نیت تحقق اهداف

1. Meta-Power

2. Political Agenda

تعیین شده سیاست خارجی مستلزم وجود یک برنامه مدون، سرمایه‌گذاری‌های مشخص و همچنین اجرای صحیح برنامه‌ها می‌باشد. در حقیقت باید گفت که بهره‌مندی از منابع قدرت نرم، تنها از مجرای ترفندهای زیرکانه است که باعث شکل دادن به ترجیحات دیگر ملت‌ها و دولت‌ها، مطابق خواست کشور اعمال کننده قدرت است. مفهوم فوق به این معنی است که تمامی مؤلفه‌های جذابیت فرهنگی از جمله ارزش‌ها، زبان، ایدئولوژی و... تا زمانی که به عمق روان سایر توده‌های ملت‌ها رسوخ نکنند، فاقد کارایی در حوزه سیاست خارجی به‌شمار می‌آیند.

۴-۲. امنیت ملی و ارزش‌های ملی

امنیت، اساسی‌ترین نیاز هر جامعه‌ای برای بقا و لازمه‌ی تجلی استعدادهاست. در نبود امنیت، با حاکم شدن هرج و مرج و بی‌نظمی، ماهیت وجودی جوامع به خطر افتاده و هرگونه پیشرفت و ترقی منتفی می‌شود. مفاهیم مدرن امنیت ملی در قرن هفدهم در طول جنگ سی ساله در اروپا و جنگ داخلی در انگلستان به وجود آمد. در سال ۱۶۴۸، صلح وستفاليا این ایده را ایجاد کرد که دولت-ملت نه تنها بر امور داخلی مانند مذهب، بلکه بر امنیت بیرونی نیز کنترل دارد (Holmes, 2014). امنیت، مانند بسیاری از دال‌ها و اصطلاحات دیگر در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تعاریف بسیاری را به خود جلب کرده است. ماکیندا^۱ امنیت را «حفظ هنجارها، قوانین، نهادها و ارزش‌های جامعه» (Makinda, 1998: 282-290) در نظر می‌گیرد. وی همچنین استدلال می‌کند که همه نهادها، اصول و ساختارهای مرتبط با جامعه، از جمله مردم آن، باید در برابر تهدیدات نظامی و غیرنظامی محافظت شوند. در یک تعریف از امنیت ملی، مفهوم فوق به این صورت بیان شده است که «امنیت ملی مصون نگه داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعلی است که می‌توانند خاستگاه داخلی یا خارجی داشته باشند» (Salehinia and Bakhtyari, 2018: 261). امنیت ملی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبنایی هر نظام سیاسی به‌شمار می‌رود، امنیت همچنین، یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و حوزه سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی تهدید می‌شود و نخبگان سیاسی با تمرکز بر این ابعاد سعی دارند تا کشور را از معرض تهدیدات سخت و نرم عبور

1. Makinda

دهند (Dabirian and Eftekhari, 2024:9). با توجه به آنکه شکل و نوع تهدیدات با تغییر رفتار بازیگران متغیر می‌باشد، لذا در هر دوره بطور حتم اولویت‌های وجودی امنیت نیز تغییر خواهد نمود. در یک بیان کلی امنیت را می‌توان وضعیتی که در آن ثبات یک کشور در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، سرزمینی و... مورد تأیید نخبگان و متخصصان مربوطه باشد و مجموعه ورودی‌های آشوب‌ساز و بی‌ثبات‌کننده داخلی و خارجی، مورد شناسایی، حذف و یا کنترل قرار گرفته باشند، تعریف کرد. بر همین اساس، اگر از منظر امنیت ملی به مقوله قدرت نرم نگریسته شود، تهدیدات ناشی از قدرت نرم را می‌توان مجموعه اقدامات بی‌ثبات‌کننده‌ای در نظر گرفت که سایر بازیگران با بهره‌گیری از رویکردهای غیرنظامی، برای گسترش نفوذ خود انجام می‌دهند. ارزش‌های ملی و میهن پرستی نیز نه تنها یک عنوان و مفهوم ایدئولوژی یا بر اساس ساختار سیاسی حاکم در کشورها، بلکه در درجه اول به‌عنوان مبنای اخلاقی، معنوی و فرهنگی-تاریخی زندگی یک ملت معنا پیدا می‌کند. این مفهوم بر جهان‌بینی مشخص استوار است که عمیق و ریشه‌دار می‌باشد. تا جایی که با تغییر ساختار سیاسی حاکم، نظام اقتصادی، و ایدئولوژی کشورها، تغییر نمی‌کند بلکه مبنای جهان‌بینانه، مذهبی، اخلاقی و معنوی زندگی مردم که ذات هستی تاریخی آن را شکل می‌دهد، بدون هیچ‌گونه تغییری باقی می‌ماند. این مفهوم با مفاهیم کرامت ملی و ایده ملی نیز همپوشانی پیدا می‌کند (Yatsenko, 2024:82-83). از این جهت ارزش‌های ملی، به مجموعه‌ای از اصول، باورها و آرمان‌های مشترک و پایدار اشاره دارد که ریشه در تاریخ، فرهنگ، دین، هویت جمعی و تجربیات زیسته یک ملت دارد که مانند ستون فقرات هویتی عمل می‌کند. ارزش‌های ملی در بستر تاریخ شکل گرفته و در طول زمان پایدار می‌ماند و حافظه جمعی یک ملت را تشکیل می‌دهد. این ارزش‌ها که دارای کارکرد انسجام بخش و یکپارچه هستند، با ایجاد یک هویت جمعی، از مسیر تقویت احساس غرور ملی، وفاداری و تعهد به منافع عمومی و تاریخی، نه تنها در زمان بحران، مانع از فروپاشی اجتماعی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی می‌شود، بلکه در شرایط عادی نیز، میزان همبستگی میان جامعه را افزایش می‌دهد. با توجه به تحولات عصر حاضر و حرکت به سمت جهانی‌شدن، ارزش‌های ملی به ملت‌ها امکان می‌دهند در عین بهره‌گیری از تعاملات بین‌المللی، هویت متمایز و اصیل خود را

حفظ کنند. ارزش‌های ملی در عین حال که دارای اصول ثابت هستند، اما از پویایی و قابلیت بازتفسیر نیز برخوردارند که در قالب نمادها، اسطوره‌ها، آیین‌ها و روایت‌های ملی که فرایندهای تاریخی مشترک را پشت‌سر گذاشته‌اند، نه یک مفهوم انتزاعی یا ابزار سیاسی، بلکه واقعیتی زنده و متداوم هستند که در کنار ابزارهای سخت قدرت یک ملت مانند مؤلفه‌های نظامی و اقتصادی، می‌توانند تولیدکننده قدرت نرم در ابعاد معنایی، تاریخی، تمدنی و ارزشی باشند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. منابع قدرت نرم ایران: با تأکید بر منابع تاریخی و تمدنی

قدرت نرم ایران شامل عناصر متنوعی است، با این حال در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به مبانی دینی (ایدئولوژیک) و منابع ملی (تاریخی و تمدنی) تقسیم‌بندی نمود. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، جمهوری اسلامی ایران در قالب انگاره‌های انقلابی خود، سیاست‌های تقابلی در برخورد با آمریکا و اسرائیل را دنبال کرده است و در همین راستا عمدتاً از منابع ایدئولوژیک قدرت نرم خود بهره‌برداری کرده است. در راستای این جنبه‌های کلیدی سیاست خارجی، رویکردهای قدرت نرم تهران تا حد زیادی حول محور دفاع از حقوق مسلمانان و فلسطینیان در قالب گفتمان محور مقاومت بوده است (Akbar.2023; Mozaffari.2013:198). از دیگر جنبه‌های ایدئولوژیک قدرت نرم ایران می‌توان به مذهب تشیع و نمادها، ارزش‌ها و مناسبت‌های آن اشاره نمود که در قالب حمایت از شیعیان جهان و تلاش جهت نشر و گسترش فرهنگ شیعی و نمادهای آن از جمله عاشورا و مراسم اربعین قابل ارزیابی است. این جنبه از قدرت نرم ایران در طول چند دهه اخیر بر معادلات قدرت و چگونگی بازیگری تهران در منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است. هرچند در دوره‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده است، اما در مجموع زمانی که آن را با دیگر بازیگران منطقه‌ای رقیب تهران مورد مقایسه قرار می‌دهیم، میزان کارآمدی آن بهتر مشخص می‌شود. با وجود آنکه پرداختن به این مسئله دارای اهمیت فراوانی است، اما هدف پژوهش حاضر چنین امری نیست و واکاوی این موضوع مجال دیگری می‌طلبد.

اما بخش دیگر از قدرت نرم ایران که مورد توجه نویسندگان این مقاله است، منابع تاریخی و تمدنی (ملی) می‌باشد که سابقه طولانی داشته و ریشه در موجودیت کشور و سرزمین ایران دارد. این دسته از منابع قدرت نرم را نمی‌توان مجموعه‌ای از عناصر نامرتبط با یکدیگر در نظر گرفت، بلکه بایستی آن‌ها را مجموعه‌ای از منابعی که بر یکدیگر اثر داشته و در تکوین هم‌ایفای نقش نموده‌اند ارزیابی نمود. هر چند مؤلفه‌های قدرت نرم در شکل نظری و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در بررسی موردی، می‌تواند بیشتر از مواردی که در ادامه ذکر می‌شود باشد، اما در این پژوهش با توجه به رویکرد مقایسه‌ای قدرت نرم ایران با ترکیه، سعی می‌شود تنها برخی از موارد مورد بررسی قرار بگیرد.

۱-۱-۵. تاریخ مدون و تمدن کهن ایرانی

سابقه چند هزارساله تمدن ایرانی و پادشاهی‌های پرآوازه‌ای چون هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و سایر پادشاهی‌های حاکم بر ایران که در کتب تاریخی جهان متونی در مورد آن‌ها موجود هستند، حاوی معانی، نمادها، درس‌ها و سمبل‌هایی می‌باشد که می‌تواند در زمینه‌هایی مانند شیوه‌های حکومت‌داری، معماری، نظامی و... به‌عنوان مبانی قدرت نرم و جاذبه‌های فرهنگی ایران مورد استفاده قرار بگیرند. توجه به این نکته ضروری است که ایران از جمله معدود کشورهایی است که تاریخ مدون داشته و همین مسئله که موجب هویت ملی دیرپا و مستقل ایرانی در مقایسه با بسیاری از دولت‌ها و کشورهای تازه تأسیس است، می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های قدرت نرم ایران مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

۱-۲-۵. گفتمان ایران‌شهری

مفهوم «ایران‌شهر» از جمله مفاهیم مهم در سنت سیاسی و فرهنگی ایران بوده و یکی از مهم‌ترین مبانی هویت ملی و تمدنی ایران به‌شمار می‌آید. این اصطلاح اولین بار در زمان ساسانیان به‌کار برده شد که نه صرفاً به‌معنای «سرزمین ایرانیان» در برابر «انیران^۱» می‌باشد بلکه مفهوم ایران‌شهر علاوه بر آنکه به یک محدوده و قلمرو جغرافیایی و سیاسی وسیع و گسترده اشاره دارد، در بطن خود حاوی یک نظام فرهنگی و هویتی بوده که مبتنی بر مبانی، مؤلفه‌های هویتی و عناصر

مشترکی از جمله زبان و ادبیات فارسی، اسطوره‌ها و فرهنگ قهرمانی، تاریخ حماسی و... می‌باشد. شایان ذکر است که پس از ورود اسلام به قلمرو ایران، این مفهوم از میان نرفت، بلکه به شیوه‌های گوناگون تداوم یافته است و به‌ویژه به‌واسطه زبان فارسی و آثار مهمی مانند شاهنامه فردوسی و سایر آثار فکری و ادبی، سبب‌ساز تثبیت هویتی فراتر از مرزهای سیاسی کنونی ایران شد. در دوران معاصر نیز برخی اندیشمندان از جمله سید جواد طباطبایی این مفهوم را بازخوانی کرده و آن را به‌عنوان مبنایی برای تبیین تداوم تاریخی و تمدنی ایران معرفی کرده‌اند. بر همین اساس و به‌طور خلاصه، ایرانشهر را می‌توان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های قدرت نرم غیرمذهبی ایران دانست که می‌تواند باعث تقویت نفوذ فرهنگی و تمدنی کشور در منطقه و حتی در جهان باشد (Daryaei, 2010; Pourjavady, 2015; Tabatabaei, 2016).

۵-۱-۳. زبان، ادبیات و فرهنگ ایرانی

زبان ابزار اصلی فهم و ارتباط میان افراد است و نقشی بنیادین در شکل‌دهی به روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بین کشورها و ملت‌ها ایفا می‌کند. از سوی دیگر زبان و ادبیات، شاخصی از فرهنگ و تمدن یک جامعه است و از رهگذر داشتن زبانی مشترک، افراد می‌توانند بهتر با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و پیوندهای خود را مستحکم‌تر کنند. زبان فارسی نیز یکی از زبان‌های میانجی بزرگ تاریخ به شمار می‌رود و به‌عنوان یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی شناخته می‌شود (Morad Sahraee and Sharafinezhad, 2024: 221-225). زبان فارسی را بایستی یکی از کهن‌ترین زبان‌های دنیا و همین‌طور یکی از زبان‌های مهم در محیط پیرامونی ایران در نظر گرفت. این زبان روزگاری در هند، آسیای مرکزی و قفقاز و حتی در امپراتوری عثمانی سابق، از جمله مهم‌ترین منابع ارتباطی جوامع با یکدیگر بوده و در آثار ادبی و ماندگاری از جمله شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، آثار سعدی، خیام و...، متجلی شده و به قوام‌بخشی هویت و ارزش‌های ملی ایران کمک شایانی نموده است. حول محور این زبان، ادبیات غنی و بی‌شماری تولید شد که میزان همبستگی ایرانیان و حتی اقوام غیرایرانی اما آشنا به زبان ایرانی را گرد هم آورده و منجر به درک مشترک و ایجاد همدلی و همبودگی در همه جامعه‌ی مورد هدف خود را ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، یکی از شاخه‌های فرهنگ غنی ایرانی که معماری، شهرسازی، صنایع دستی و ارزشمند هنری از جمله فرش اصیل دستبافت ایرانی، موسیقی ایرانی و دیگر آثار غیرملموس را شامل می‌شود که تعدادی از آنها در یونسکو نیز به نام ایران ثبت و درج شده‌اند، محل مشترک بسیاری از افراد و اقوام در محیط پیرامونی ایران امروزی است که در گذشته، مجموعه‌ای از ایران بزرگ بوده‌اند و در حال حاضر نیز جزیی از ایرانشهر و ایران فرهنگی به شمار می‌آیند.

۴-۱-۵. میراث علمی و اندیشه‌ای

در حوزه میراث علمی، ایران به دلیل برخورداری از تمدن دیرینه دارای عالمان و دانشمندان بزرگ و شهیری بوده است که خود می‌تواند به مثابه قدرت نرم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار آیند. سزمین پهناور ایرانشهر فیلسوفان و دانشمندانی را به خود دیده است که نه تنها پایه‌های اصلی تمدن اسلامی و ایرانی بوده‌اند، بلکه در بنیان‌های علوم و فلسفه جهانی نیز مؤثر واقع شده‌اند. در این رابطه می‌توان به بوعلی سینا که با آثار «قانون» و «شفا»، فارابی به‌عنوان معلم ثانی و مؤسس فلسفه سیاسی اسلامی و ابوریحان بیرونی با نجوم و هندسه اشاره کرد که همواره نامشان در تارک تاریخ می‌درخشد. همچنین خیام، خواجه نصیرالدین طوسی و شاعران بلندآوازه‌ای چون فردوسی، مولوی، حافظ و سعدی، تنها تعداد کمی از ایرانیان اهل علم و دانش هستند که پس از گذشت قرن‌ها از زمان حیاتشان، هنوز در جای جای دنیا و به‌ویژه حوزه پیرامون ایران که دارای فرهنگ تمدنی مشترک می‌باشند، نام و آوازه‌شان در محافل علمی با احترام مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲-۵. نسبت میان قدرت نرم و امنیت ملی: ظرفیت‌های ایران در بهره‌گیری از منابع ملی قدرت نرم
دال‌های موجود در ادبیات روابط بین‌الملل، عمدتاً در ارتباط با یکدیگر و به‌واسطه سازوکارهایی خاص است که معنا و مفهوم پیدا کرده و در تبیین رویدادها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در همین راستا، تعیین نسبت میان مفاهیمی مانند قدرت نرم و امنیت ملی، مستلزم شناخت این مفاهیم و شیوه ارتباط میان آن‌ها و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. همان‌طور که در بخش مفاهیم نظری پژوهش گفته شد؛ هر دوی این مفاهیم به مواردی از جمله نفوذ، مشروعیت، بقا، تهدید، قدرت، امنیت و به‌طور کلی جنبه‌هایی خاص و حیاتی از ارتباط میان بازیگران در سیاست

بین‌الملل مرتبط هستند. قدرت نرم بر سازوکارهای اقناع و جذب در شکل‌دهی به رفتار سایرین تأکید داشته و مبتنی بر مواردی از جمله فرهنگ^۱، ارزش‌های سیاسی^۲ و سیاست خارجی مشروع^۳ و اخلاقی می‌باشد^۴. در سوی مقابل امنیت ملی ناظر بر حفظ موجودیت و تضمین بقای یک کشور در مقابل مجموعه تهدیدات داخلی و خارجی است. مقوله‌ای که در عصر حاضر با فاصله‌گرفتن از رویکردهای کلاسیک، در قالب مفاهیمی از جمله امنیت جامع^۵ و با تأکید بر ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی مطرح می‌شود^۶. پایداری امنیت ملی در چنین فضایی مستلزم بهره‌برداری حداکثری نه فقط از قدرت سخت، بلکه همچنین از قدرت نرم به‌عنوان مکمل آن است. بر همین اساس می‌توان این‌گونه استدلال نمود که این دو پیوندهای مستحکمی با یکدیگر داشته و قدرت نرم می‌تواند به‌ویژه در عصر حاضر به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای تقویت امنیت ملی، ایفای نقش کند. قدرت نرم می‌تواند با ارتقای مشروعیت بین‌المللی یک کشور، تقویت همبستگی داخلی و افزایش نفوذ آن در میان سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی، به‌عنوان مکمل قدرت سخت عمل کرده و ضریب امنیتی کشور را بهبود ببخشد. در این مورد می‌توان به قدرت نرم اتحادیه اروپا اشاره نمود که با تأکید بر انگاره‌هایی مانند جهان آزاد، دموکراسی و حقوق بشر و...، به‌دنبال معرفی خود به‌عنوان حافظ و حامی این ارزش‌ها بوده و درصدد بهبود موقعیت خود در ماتریس بین‌المللی قدرت برآمده است و در این راستا به موفقیت‌هایی نیز در زمینه‌هایی دست یافته است^۷. در مجموع می‌توان این‌گونه استدلال نمود که بهره‌گیری صحیح از قدرت نرم به‌عنوان مکمل قدرت سخت، با افزایش نفوذ مادی و معنایی کشور، هزینه‌های تأمین امنیت ملی را به نسبت عدم بهره‌گیری از آن، به‌طور قابل توجهی

1.Culture

2.Political Values

3.Legitimate Foreign Policy

4.See: Nye, J. S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs.

5.Comprehensive Security

6.For Example see: Buzan, B. (1991). *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. Lynne Rienner.

۷.در این مورد می‌توان به نقش آن در مدیریت بحران‌های مختلف، وزن آن در سازمان‌های بین‌المللی و خصوصاً ایفای نقش میانجی در برخی منازعات اشاره نمود که همگی حاکی از تأثیر قدرت نرم بر ارتقای جایگاه این اتحادیه می‌باشند.

کاهش می‌دهد. این دو مفهوم همچنین یک رابطه دو سویه با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که علاوه بر آنکه افزایش قدرت نرم موجب افزایش امنیت ملی و افزایش ظرفیت کشور برای مقابله با تهدیدات می‌شود، در سوی دیگر نیز وجود سطح مطلوب و بالایی از امنیت ملی، زمینه‌ساز توسعه و افزایش قدرت نرم است (چرا که بدون ثبات داخلی و وجود امنیت پایدار قابل قبول، امکان بهره‌گیری از منابع قدرت نرم جهت تولید و انتشار جذابیت‌های فرهنگی و سیاسی به‌منظور افزایش نفوذ کشور در سطح خارجی به امری دشوار تبدیل می‌شود). همان‌طور که در بخش‌های قبلی شرح داده شد، کشور ایران از منابع متعدد قدرت برخوردار است. در شرایطی که استفاده از منابع دینی قدرت نرم (ایدئولوژی انقلابی، استعمارستیزی، گفتمان مقاومت و...)، تا حدودی و در مقطعی بر افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بوده، با این حال آنچه که بایستی به آن توجه ویژه نمود، عدم بهره‌گیری مناسب نخبگان ایرانی از منابع ملی قدرت نرم است و این مهم مورد تأکید بسیاری از پژوهشگران و تحلیلگران بوده است. ظرفیت‌های فراوانی در بهره‌گیری از این دست از منابع قدرت نرم پیش‌روی نخبگان ایرانی قرار داشته است که در همین رابطه می‌توان به مواردی از جمله بهره‌گیری از اشتراکات تاریخی و فرهنگی با سایر کشورها (به‌ویژه در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و آسیای جنوب غربی) در قالب مفاهیمی مانند فلات ایران و ایرانشهر، زبان فارسی، عید نوروز، شاه‌پیر ایرانی، ادبیات و شعر فارسی و... اشاره نمود. این بسترها به‌صورت بالقوه در منابع قدرت ایران موجود بوده و به‌دلیل ماهیت عمدتاً تاریخی، فرهنگی و هویتی خود، از ظرفیت‌های بالایی برای ایجاد جاذبه و ارائه تصویری با پرستیژ بالا از ایران برخوردار هستند.

۳-۵. مقایسه تطبیقی بین بروز و ظهور قدرت نرم ایران و ترکیه و تأثیرات آن بر امنیت ملی قدرت عامل اصلی بقا کشورهاست و بازیگرانی که در صدد افزایش مبانی قدرت خود باشند، حیات و پیشرفت خود را در محیط آنارشیک بین‌المللی تضمین می‌کنند (Najafi and Others, 2023:90). بخش عمده‌ای از عوامل تولیدکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم برای بازیگران، می‌تواند تاریخ، ارزش‌های سیاسی، اقتصاد، سیاست خارجی، فرهنگ و جغرافیا باشد. این بخش از مقاله که در تلاش است تا سیاست‌های ایران و ترکیه در جهت استفاده و گسترش قدرت نرم خود را

با توجه به مؤلفه‌های مطرح شده در بخش قبلی مورد بررسی قرار دهد، نویسندگان را بر آن داشته تا با واکاوی برخی از این عوامل به چگونگی مورد استفاده قرارداد آن از سوی این دو کشور توجه کنند. چرا که شیوه استفاده از این مؤلفه‌ها می‌تواند در جهت تقویت و گسترش پایه‌های امنیت ملی کشورها عمل کرده و جدای از توسعه‌ی نقش ارزش‌های ملی در محیط داخلی، به گسترش حوزه نفوذ فرهنگی و سیاسی بازیگران در جهان خارج نیز منجر شود.

اثرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی ایران، در شرایطی محقق می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران، توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک، با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین کند (Akhbari, 2024: 193). بخشی از این سیاست‌ها در قالب قدرت نرم جای می‌گیرد که خود تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلفی است. از بین این عوامل، نقش ارزش‌های ملی و تاریخی همچون زبان، آیین و جشن‌های کهن ملی، ادبیات و تاریخ، نمادها و اسطوره‌ها و محیط مشترک فرهنگی پیرامونی بسیار کلیدی است. حوزه تمدنی یکی از مواردی است که در سیاست خارجی ایران به آن کم‌توجهی جدی صورت گرفته و کمتر به‌عنوان یک کنش‌گر فعال در آن ایفای نقش نموده است (Ahmadi and Others, 2025: 51). ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه، عراق، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، افغانستان، پاکستان، هندوستان، تاجیکستان، ازبکستان و... کشورهای هستند که به دلیل هویدا بودن مؤلفه‌های ایرانی‌شهری در آنها، جزو حوزه‌ی تمدنی ایران فرهنگی هستند. هرچند نقش زبان را می‌توان در حوزه تمدنی بسیار پررنگ دانست، اما آیین‌های ملی و نمادهای تاریخی غیرملموس مانند نوروز، یلدا و... نیز بخش دیگری از دایره قدرت ملی و تمدنی به شمار می‌آیند. نوروز پیوندی بین همه‌ی کشورهای این حوزه است. مثال دیگر در مورد وراود است. جایی که منطقه حائل بین رودهای سیحون و جیحون بوده و متأثر از فرهنگ ایرانی‌شهری است. وراود جایی است که روس‌ها آن را آسیای مرکزی می‌نامند و ما هم به اشتباه از آسیای مرکزی استفاده می‌کنیم، در حالی که نام درستش وراود است (Ranjbar Derakhshilar, 2024). در مجموع آیین‌های ملی و تمدنی به ویژه جشن نوروز به‌عنوان نقطه مشترک بین کشورهای منطقه به مرکزیت ایران، می‌تواند عاملی

مناسب برای تحقق همگرایی سیاسی در سطح منطقه هم باشد. در حقیقت از آنجایی که اکثر کشورها به دنبال کسب اعتبار از طریق اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر ارتباطات مانند دیپلماسی عمومی به منظور ایجاد روابط خارجی کارآمد با سایر کشورها بوده‌اند (Hayden, 2011)، بهره‌گیری حداکثری از منابع قدرت نرم جهت ایجاد یک تصویر همگرایانه از خود، یکی از رویکردهای اثرگذار در حوزه توسعه نفوذ نرم و افزایش قدرت ملی است. بدیهی است که توجه بیشتر به مؤلفه‌های تمدن ایرانی از جمله نوروز، می‌تواند با ایجاد یک جاذبه قوی از ایران در میان بسیاری از کشورها، زمینه نفوذ نرم و در نهایت افزایش قدرت و امنیت ملی را فراهم آورد. زبان و فرهنگ فارسی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که به دلیل گستره حوزه نفوذ خود در کشورهای مختلف که از آسیای مرکزی تا شبه قاره هند را در بر می‌گیرند، می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند و از سوی دیگر کم توجهی به گستره تأثیر آن نیز در بلند مدت، امنیت ملی و حوزه نفوذ ایران تمدنی و فرهنگی را با خطراتی مواجه می‌کند. با توجه به نقش مفاهیم قدرت نرم در امنیت کشورها، زبان و فرهنگ فارسی ایران شهری برای ایران نه یک امر ساده فرهنگی، بلکه مسئله‌ای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است (Ranjbar Derakhshilar, 2024). شخصیت‌های زیادی در ادبیات، علم و فلسفه در طول تاریخ به تعامل متقابل کشورهای ایران فرهنگی مبادرت داشتند. فارسی‌زبانی است که از دوران باستان نفوذ خود را در آسیای مرکزی حفظ کرده است. امروزه زبان رسمی ایران و یکی از زبان‌هایی است که در تاجیکستان و افغانستان نیز صحبت می‌شود. از سوی دیگر گروه‌های فارسی‌زبان در کشورهای مختلفی مانند عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان (و حتی هند و حوزه قفقاز) وجود دارند و می‌توان تأثیر زبان فارسی بر زبان‌های ترکی، آذری، هندی، اردویی و ارمنی را شاهد بود. بنابراین زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از مهمترین منابع قدرت نرم برای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که تغییر زبان‌ها در دوره‌های مختلف، مانع دسترسی مردم به تاریخ مکتوب و میراث فرهنگی خود شد. در صورتی که این امر می‌تواند مورد توجه بالایی قرار بگیرد (Erdem and Dashti, 2022:279). نگاهی به سیر تاریخی این دو عامل مهم، بیانگر این مسئله است که بی‌توجهی به حفظ و گسترش آن، باعث جایگزینی آن با سایر زبان‌ها و در نهایت کاهش نفوذ ایران در مناطق

از دست رفته خود خواهد شد. تا جایی که تهران می‌تواند با الهام‌گرفتن از فرهنگ ایرانی‌نژاد و گسترده نفوذ تاریخی خود از مدیترانه تا شبه قاره هند، با یک سیاست‌گذاری مدون و اجرای برنامه‌های فرهنگی، همکاری با نهادهای مستقل و حتی دولتی در کشورهای حوزه قفقاز، آسیای مرکزی و شبه‌قاره، انجمن‌های دوستی و گروه‌های علمی و فرهنگی با مرکزیت تهران، در جهت بازآفرینی و بازیابی مؤلفه‌های قدرت خود عمل کند. کنش فوق‌نه تنها امنیت، هویت و توجه به ارزش‌های ملی کشور را ارتقا خواهد داد، بلکه از عقب‌ماندن در رقابت تنگاتنگ با بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه در حوزه قدرت نرم که شامل نفوذ فرهنگی، تاریخی و سیاسی می‌شود نیز جلوگیری خواهد کرد. در مقابل، ترکیه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تاریخی، ملی، فرهنگی و سیاسی، هر چند در مقایسه با ایران توانایی رقابت در یک سطح را ندارد، اما به دلیل برخورداری از جایگاه تاریخی خود که به ارث برده شده از امپراتوری عثمانی است، و نظام سیاسی که بعد از فروپاشی این امپراتوری، ترکیه نمایندگی آن را برعهده دارد، با بازتعریف سیاست‌هایی که بخشی از آنها همسو و در راستای همان سیاست‌های دوران امپراتوری است، حوزه نفوذ خود را به گونه‌ای تعریف می‌کند که از بالکان تا خاورمیانه و از قفقاز تا آسیای مرکزی و میانه را شامل می‌شود و با منحصربه‌فرد خواندن نظام سیاسی و فرهنگی خود در منطقه، در پی توسعه برنامه‌ریزی شده قدرت نرم خویش می‌باشد. این بلند پروازی تا جایی پیش رفت که سرزمین وسیع تر یورو-آسیا را که اقوام و گروه‌هایی از ترک، آذری، کرد، بوسنیایی، آلبانی، آبخازی، آراتا، قزاق، قرقیز، ازبک، ترکمن و سایر گروه‌های قومی از جمله جوامع ارمنی، یونانی، آشوری و حتی یهودیان را نیز به دلیل تجربه زیسته در نظام امپراتوری عثمانی، تحت تأثیر و ذیل پرچم ترک‌ها تعریف می‌کند (Islam, 2021: 176). این کشور با تبلیغ زبان ترکی به‌عنوان یک زبان جهانی و فرهنگ ترکی به‌عنوان یک فرهنگ جهانی در صحنه بین‌الملل درصدد ارائه تصویری جذاب از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود می‌باشد، به‌عنوان مثال، بنیاد یونس امره یک نهاد فرهنگی مهم است که در آن ترویج زبان ترکی به‌مثابه فرهنگ ترکی، به‌عنوان ابزاری برای قدرت نرم در سراسر جهان در حال تبلیغ است. بنیاد معارف نیز مانند بنیاد یونس امره فعالیت دارد و فراتر از آن، فقط به آموزش زبان ترکی در خارج از کشور توجه نمی‌کند؛ بلکه سیاست‌های

آموزشی آن بر برنامه‌های آموزشی و فرهنگی نظیر دوره‌های ترکی برای خارجی‌ها، برنامه صدور گواهینامه ترکی، آموزش ترکی از راه دور و مدرسه تابستانی متمرکز است (Sadeghian and Fadaei, 2024: 157-158). ترکیه درصدد توسعه نفوذ خود از طریق تأکید بر زبان و قومیت ترکی بوده است. با وجود شکاف مذهبی بین شیعیان جمهوری آذربایجان و مسلمانان سنی در ترکیه، دولت ترکیه اغلب بر احساسات برادری، قرابت‌های زبانی و نزدیکی‌های قومی با جمهوری آذربایجان تأکید داشته و با تأکید بر هویت مشترک ترکی در پی تبلیغ این گزاره است که قفقاز جنوبی سرزمین تاریخی همه ترک‌ها است (Nourian and Godarzi, 2022: 150-151). تأکید بر هویت ترکی، مقوله اصلی قدرت نرم ترکیه است و این کشور را قادر می‌سازد تا در نواحی گوناگونی به اعمال نفوذ بپردازد. هرچند بخشی از تبلیغات ترکیه جهت معرفی خود به‌عنوان یک کشور دارای تمدن و پیشینه با شکوه، فاقد مدارک قابل اعتبار تاریخی است که برخی از این موارد شامل مصادره شاعران و عالمان ایرانی‌الاصول مانند مولوی به‌عنوان شاعران جهان ترک و بازگردانی آثار نفیس فارسی آنها به ترکی و معرفی به جامعه و جهان به‌عنوان تاریخ و ادبیات ترکی است، با این حال بایستی به این مسئله اذعان نمود که ترکیه به شکل هماهنگ، بسیار عمل‌گرایانه و با حداکثر ظرفیت، از منابع خود جهت افزایش قدرت و نفوذ نرم خویش بهره‌برداری کرده است. ترکیه نفوذ نرم خود را در بسیاری از موارد به‌عنوان پشتوانه‌ای جهت نفوذ سخت و حضور سیاسی و نظامی تبدیل کرده است. در یک نمونه، ترکیه تلاش داشته تا با تأکید بر هم‌نژادی و هم‌زبانی در منازعاتی که یک سر آن کشوری ترک‌تبار و در سر دیگر آن کشوری غیرترک قرار دارد مانند جنگ‌های تاجیکستان و قرقیزستان از یک سو و ارمنستان و آذربایجان از سوی دیگر، آشکارا حمایت نظامی و نفوذ و تأثیر خود را بر این کشورها افزایش دهد. ترکیه با بهره‌گیری از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی از جمله فرهنگ صلح و نوع دوستی و سیاست خارجی بشردوستانه، این عامل را در جهت گسترش قدرت نرم خود تعریف کرده است. این کشور با میزبانی از مهاجرین جنگی و ملت‌های ضعیف و کمتر برخوردار و حمایت از مردم بوسنی، هرزگوین، سومالی و نهایتاً پذیرش موج گسترده مهاجرین سوری از زمان آغاز جنگ و بحران گسترده در سوریه از سال ۲۰۱۱، خود را به‌عنوان کشور حامی و میزبانی قابل اعتماد

معرفی می‌کند و با مقایسه خود با کشورهای بزرگی که در دوره‌های مختلف دارای قدرت قابل توجه و عمق تأثیرگذاری زیادی در منطقه و جهان بوده و هستند، موفقیت خود در حوزه دیپلماسی بشردوستانه را به‌عنوان یکی از بازیگران نوظهور جهانی، چشم‌گیر و تأثیرگذار می‌داند (Karacasulu and Karakir, 2022: 121). در پژوهشی دیگر که نگاه عمیق و راهبردی ترکیه در گسترش قدرت نرم خود در گرجستان مورد بررسی قرار داده شد، نویسنده به این نتیجه می‌رسد که اصول و رویکردهای قدرت نرم ترکیه در گرجستان، استفاده از کمک‌های بشردوستانه، اعمال سیاست آموزشی و تأکید ویژه بر نزدیکی فرهنگی و میراث تاریخی مشترک می‌باشد. این نوع سیاست در گرجستان و دیگر کشورها حاصل میراث تاریخی منحصر به فرد ترکیه است که شامل سه بُعد از هویت سیاسی یعنی ترکی، اسلامی و عثمانی این کشور می‌شود (Mamedov, 2023: 745). در مجموع ترکیه از اواسط دهه ۲۰۰۰ به طور فزاینده‌ای از ابزارهای قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده کرده است. مقامات حزب عدالت و توسعه، ترکیه را به‌عنوان مرکز جاذبه با ارزش‌های دموکراتیک و سابقه موفق پیشرفت اقتصادی، الهام‌بخش کشورهای در حال توسعه معرفی کردند و جدای از دیگر برنامه‌های فرهنگی و رسانه‌ای، این کشور از طریق بورسیه تحصیلی و مراکز فرهنگی و محصولات فرهنگی عامه، با مخاطبان جهانی ارتباط برقرار می‌کند (Kelkitli, 2023: 403). از سوی دیگر یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های ترکیه در جهت گسترش قدرت نرم خود، ترویج و تقویت مفهوم «جهان ترک» و سازوکارهای همکاری بین کشورهای ترک‌زبان است. از نظر تاریخی، سیاست پان ترکی ترکیه بر حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و آموزشی متمرکز بوده است اما در چارچوب سازمان ترک، ترکیه به شکل قابل توجهی در پی توسعه میراث ترکی از طریق نهادهایی مانند سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی یا به اختصار ترک‌سوی، مجمع پارلمانی کشورهای ترک، آکادمی ترک، فرهنگ و میراث ترکی و... برآمده است (Donghui, 2024: 421). تلاش ترکیه در این زمینه صرفاً محدود به اهداف سیاسی نمی‌شود بلکه این کشور در جهش گسترش هر چه بیشتر حوزه نفوذ خود در مناطق مختلف به ویژه قفقاز و آسیای مرکزی است. تا جایی که این نفوذ فرهنگی بتواند در مراحل بعدی خود نفوذ سیاسی گسترده، نفوذ ژئوپلیتیک و نهایتاً رقابت با دیگر بازیگران حاضر

در این منطقه از جمله روسیه و ایران را سبب شود. با این توضیحات که بخشی از سیاست‌های ایران و ترکیه در جهت گسترش قدرت نرم خودشان می‌باشد، این‌گونه می‌توان تلقی کرد که ایران علی‌رغم برخورداری از سازوکارهای بیشتر در حوزه قدرت نرم، به نظر می‌رسد آنگونه که باید از این عوامل در جهت تعمیق نفوذ خود استفاده نکرده است. هر چند این کشور می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی در این زمینه، به شکل قابل توجهی نه از طریق اجبار، بلکه پذیرش کشورهای هدف به دلیل فراهم بودن زمینه‌های مشترک تمدنی، ملی و فرهنگی، سطح همکاری خود را افزایش دهد. این همکاری می‌تواند زمینه‌های مختلف از جمله حوزه زبان، فرهنگ و ادبیات، احیا و ارج نهادن به نمادها، اسطوره‌ها و آیین‌های مشترک و دیگر عوامل از طریق رسانه، تولید فیلم و محتوا، همکاری‌های علمی و فرهنگی و ادبی را شامل شود. رقابت ایران و ترکیه در زمینه گسترش قدرت نرم و تأثیر آن بر امنیت ملی زمانی مشخص می‌شود که در نظر بگیریم روابط تهران و آنکارا در طول تاریخ متأثر از علایق ژئوپلیتیکی دو کشور در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است و این موضوع خصوصاً مورد توجه ترکیه قرار داشت (Alamdard and Others, 2024: 26-30). ترکیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی نوظهور جهان، توجه ویژه‌ای به توسعه و حفظ قدرت نرم خود دارد (Omidi, 2021). از اواسط دهه ۲۰۰۰، ترکیه گفتمان قدرت نرم را در دستور کار سیاست خارجی خود گنجانده و توجه خود را به سمت ایجاد زیرساخت‌های قدرت نرم خود معطوف کرده است (Çevik, 2019: 50). توسعه اقتصادی برای تصویر و وجهه قدرت نرم یک دولت بسیار مهم است؛ در حالی که بسیاری از اقتصادها نتوانستند از رکود مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ بهبود یابند، اقتصاد ترکیه در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به ترتیب رشد ۸,۵ و ۱۱,۲ درصدی را ثبت کرد، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸، رشد اقتصادی ترکیه نه‌تنها به کمتر از ۳,۳ درصد کاهش پیدا نکرد، حتی در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷، رشد ۸,۵ درصدی و ۷,۵ درصدی متوالی را تجربه کرد، تنها در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ بود که رشد اقتصادی ترکیه، مانند سایر نقاط جهان، به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ کاهش یافت و هرگز رشد اقتصادی این کشور به نقطه صفر یا منفی کاهش پیدا نکرد (Omidi, 2021). رشد اقتصادی قابل توجه باعث گسترش حمایت از کشورهای کمتر برخوردار و در کنار آن برنامه‌ریزی

گسترده‌تر در زمینه مناسب‌های فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغ جذابیت‌های موجود می‌شود. از میان مناطق پیرامونی ترکیه، آسیای میانه، قفقاز و ماورای قفقاز جزء حوزه‌هایی هستند که عموماً در معرض حضور و تحرکات فرهنگی این کشور قرار دارد و در تلاقی با سیاست‌های ایران قرار می‌گیرند. سیاست‌های ترکیه در این مناطق جدای از گسترش بیش از اندازه حوزه نفوذ خود، همواره در پی تلاش برای به حاشیه بردن رقبای منطقه‌ای از جمله ایران بوده است (Sadeghian and Fadaei, 2024: 139). در مقایسه با سیاست خارجی ترکیه قبل از سال ۲۰۰۲، قدرت نرم ترکیه از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به طور قابل توجهی افزایش یافته و به یکی از اولویت‌های استراتژی سیاست خارجی آن تبدیل شده است. در حقیقت این نکته حائز اهمیت است که نهادهای دولتی و غیردولتی که ابزار اصلی این سیاست یعنی بهره‌گیری حداکثری از قدرت نرم هستند، با یکدیگر رقابت نمی‌کنند بلکه با موفقیت مکمل یکدیگر هستند (Yenokyan, 2023: 609). نفوذ نرم ترکیه تهدیدات امنیتی زیادی را متوجه جمهوری اسلامی ایران ساخته است. تنها در یک نمونه، نفوذ گسترده ترکیه در قفقاز و حمایت‌های آن از جمهوری آذربایجان در تعارضات آن با ارمنستان، علاوه بر آنکه به نظر می‌رسد در تلاش برای کاهش قدرت مانور ایران در این منطقه است، بحث‌های زیادی را در محافل آکادمیک و فضای سیاسی ایران به وجود آورده و بسیاری بر تبعات شدید امنیتی آن هشدار داده و آن را در زمره مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی ایران قلمداد کرده است (Shojaie and Niakoe, 2024; Salehi Yeganeh, 2023; Ebrahimi and Shakeri Khoe, 2015; Talesh and Others, 2024). چنین رویکردی با توجه به بازی قدرت در شرایط آناارشی و محیط رقابتی کشورهای منطقه‌ای از جمله ترکیه و ایران، زمانی بهتر معنا پیدا می‌کند که ابزارهای قدرت نرم در کنار حفظ ماهیت خود، در جهت تحقق اهداف سخت نیز در حرکت باشند و این امر منجر به کاهش قدرت مانور، کاهش نفوذ و تحت تأثیر قراردادن کنش‌گری بازیگران رقیب از اینجا از سوی ترکیه نسبت به ایران باشد. از این جهت به نظر می‌رسد بهتر است که حکمرانان سیاست خارجی و امنیتی ایران، ضمن افزایش سطوح هشیاری نسبت به تحرکات منطقه‌ای، تصمیمات راهبردی و تاکتیکی مشخص و چندجانبه‌ای را در جهت افعال کنشی و واکنشی در قبال تحرکات

دیگر بازیگران اتخاذ کنند تا ضمن حفظ امنیت ملی در جنبه‌های مختلف خود، بتوانند راهبردهای نفوذ قدرت نرم خود را همسو با توسعه ارزش‌ها و امنیت ملی افزایش دهند.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با واکاوی نقش محوری ارزش‌های ملی در تقویت قدرت نرم و تأمین امنیت ملی ایران، ضمن اشاره به برخی از مؤلفه‌های ملی قدرت نرم که عمدتاً ناظر بر منابع تاریخی و تمدنی آن هستند، تلاش کرد تا چگونگی استفاده از آن‌ها برای تأمین هر چه بیشتر امنیت و گستره حوزه نفوذ در منطقه پیرامونی به‌ویژه منطقه تمدنی ایران فرهنگی را تشریح نماید. ساختار مقاله پس از ذکر چارچوب نظری و پیشینه پژوهش به سه بخش اصلی تقسیم شده است که در بخش نخست، منابع قدرت نرم ایران با تمرکز بر منابع ملی و تمدنی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هر چند شاخص‌های قدرت نرم در مجموع بسیار بیشتر از موارد ذکر شده می‌باشد، اما همان‌طور که در بخش فوق ذکر شده است، تمرکز مقاله حاضر، بر این موارد معطوف بوده است. در قسمت دوم، نسبت میان قدرت نرم و امنیت ملی و ظرفیت ایران در چگونگی استفاده از منابع ملی قدرت نرم مطرح شده است و در بخش نهایی، با مطالعه موردی سیاست‌های ایران و ترکیه در استفاده از قدرت نرم و اقدامات نرم ترکیه در جهت تحقق اهداف سخت خود حوزه پیرامونی مشترک با ایران و رقابت تنگاتنگ با تهران مورد واکاوی قرار گرفته است. امری که در صورت کم توجهی به آن می‌تواند امنیت ملی ایران را با خطرات احتمالی و جدی مواجه کند. برخلاف برخورداری ایران از سرمایه‌های هویتی و تمدنی بی‌نظیر و ریشه‌دار، رویکرد جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از این منابع، عمدتاً سطحی‌نگرانه، فاقد جامعیت، بدون برنامه‌ریزی راهبردی و غیرساختارمند بوده است. این در حالی است که ترکیه، با وجود برخورداری از پیشینه تاریخی و فرهنگی کم‌عمق‌تر و غیرقابل مقایسه با ایران، با به کارگیری هوشمندانه، هماهنگ و عملیاتی مؤلفه‌های قدرت نرم خود اعم از زبان، قومیت، میراث عثمانی و دیپلماسی عمومی، توانسته است حضوری مؤثر و نفوذی فزاینده در مناطق حیاتی پیرامونی ایران، به‌ویژه در قفقاز و آسیای مرکزی، ایجاد کند. طبق آنچه که مشخص است، قدرت نرم زمانی می‌تواند به‌عنوان مکملی کارآمد در خدمت امنیت ملی قرار گیرد که بر پایه یک استراتژی منسجم و مبتنی بر واقعیت‌های

ژئوپلیتیک و فرهنگی بنا شده باشد. در این عرصه، تحرکات ترکیه و رقابت آن با ایران در حوزه‌های مختلف، نه تنها یک کنشگری صرف فرهنگی نیست، بلکه شرایطی را فراهم می‌کند که نتایج آن می‌تواند به طور مستقیم بر عمق استراتژیک و حوزه نفوذ و در مرحله نهایی خود امنیت ملی تأثیر بگذارد. نمونه این تحرکات را می‌توان در سیاست‌های ترکیه در حوزه کشورهای جهان ترک شاهد بود که ضمن بازتعریف هویت، تاریخ و فرهنگ غنی برای کشورهای ترک زبان، بخشی از مؤلفه‌های قدرت ایران در حوزه نرم از جمله تاریخ، تمدن، فرهنگ و ادبیات مستقیماً مورد هدف قرار گرفته و با مصادره به مطلوب کردن سرمایه‌های ملموس و غیرملموس ایرانی، در پی ساخت فرهنگ برای خود و بازیگران کوچک‌تر همسو با خود می‌باشد. از این جهت، بهترین اقدام از سوی ایران می‌تواند اتخاذ سیاست‌های کلان راهبردی در جهت توسعه مؤلفه‌های قدرت نرم و سرمایه‌گذاری در این زمینه برای هم‌راستا شدن با جنبه سخت قدرت و نفوذ ژئوپلیتیک در حوزه پیرامونی، گذار از رویکردهای تک‌بعدی به چندبعدی در اتخاذ سیاست‌ها، کنش‌گری فعال به جای رویکرد واکنشی و نهایتاً توجه از درون به بیرون باشد؛ به این معنا که ابعاد قدرت ملی و تمدنی را ابتدا در داخل مورد توجه قرار داده و تقویت نماید و سپس همگام با آن و با برنامه‌ریزی راهبردی به دنبال بهره‌گیری از آن‌ها در خارج از مرزهای جغرافیایی باشد. چرا که اتخاذ چنین رویکردی نه تنها جایگاه ایران در برابر رقبا از جمله ترکیه را در میان‌مدت و بلندمدت ارتقا خواهد بخشید، بلکه به واسطه شکل‌گیری جذابیت، مشروعیت و نفوذ، هزینه‌های تأمین امنیت را به مرور زمان کاهش خواهد داد.

۷. قدرت‌دانی

این مقاله با راهنمایی‌های اساتید گرانقدر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان به رشته تحریر درآمده است. از همین رو، نگارندگان مراتب تشکر خود را از تمامی فرهیختگانی که در انجام این مهم یاری رسانده‌اند اعلام می‌دارند.

۸. تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش؛ مانند پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Ahmadi, Ebrahim; Hafeznia, Mohammad Reza; Ahmadypoor, Zahra; Ghaderi Hajat, Mostafa (2025). Analysis of the Geopolitical Isolation of the Islamic Republic of Iran. *Geopolitics Quarterly*, 21(1), 36-68. doi: 10.22034/igq.2024.456524.1866. **[In Persian]**
2. Akbar, Ali (2023). Iran's soft power in the Middle East via the promotion of the Persian language. *Contemporary Politics*, 29(4), 424-445. <https://doi.org/10.1080/13569775.2023.2169305>.
3. Akbarzadeh, S; Ahmed, Z.S; Ibrahimi, N (2021). Soft power, hard power dynamics: the case of Iran in Afghanistan. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 50(1), 67-86. <https://doi.org/10.1080/13530194.2021.1928479>.
4. Akbarzadeh, S; Barry, J (2016). State Identity in Iranian Foreign Policy. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 43(4), 613-629. <https://doi.org/10.1080/13530194.2016.1159541>.
5. Akhbari, Mohammad (2024). Developing a Geopolitical Strategy; A Requirement in the Transition to a New Stage of Development. *Geopolitics Quarterly*, 20(1), 193-204. doi: 10.22034/igq.2024.447630.1850. **[In Persian]**
6. Alamdar, Esmail; Hafeznia, Mohammad Reza; Ahmadypoor, Zahra; Ahmadi Nohdani, Syrous (2024). Explaining the Components of Geopolitical Interests in Iran-Turkey Foreign Relations. *Geopolitics Quarterly*, 20(1), 26-56. doi: 10.22034/igq.2024.154013. **[In Persian]**
7. Barnett, Michael; Duvall, Raymond (2005). Power in international politics . *International Organization* , 59 : 39 – 75.
8. Çevik, Senem.B (2019). Reassessing Turkey's Soft Power: The Rules of Attraction. *Alternatives*, 44(1), 50-71. <https://doi.org/10.1177/0304375419853751>.
9. Dabirian, Fardin, & Eftekhari, Asghar (2024). Determining a Priority-Setting System for the Dimensions of the Islamic Republic of Iran's National Security Using the Borda Method. *National Security Quarterly*, 14(2), 9-46. **[In Persian]**
10. Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2016). *The Basics in International Relations*, Tehran: Mokhatab. **[In Persian]**
11. Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal (2021). *Principles and Fundamentals of International Relation* (1), fifth edition, Tehran: Samt. **[In Persian]**
12. Donghui, Du (2024). Türkiye's Promotion of the Integration of Turkic States: Context, Practice, and Influence, *BRIQ Belt and Road Road Initiative Quarterly*, 5(4), 410-428.
13. Ebrahimi, Sajad; Shakeri Khoe, Ehsan (2015). Examining the role of Pan-Turkism discourse in the national security of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Specialized Social Science*, 11(43), 1-24. **[In Persian]**
14. Erdem, Tolga; Dashti, Zabihullah (2022). Soft Power Sources in Iranian

- Foreign Policy: The Case of Tajikistan. In the Book *Contemporary Issues in The Balkans, Middle East, Asia & Africa*, First Edition, August 2022, 267-287.
15. Gallarotti, Giulio.M (2011). Soft power: what it is, why it's important, and the conditions for its effective use. *Journal of Political Power*, 4(1), 25-47. <https://doi.org/10.1080/2158379X.2011.557886>.
 16. Hayden, Craig (2011). *The rhetoric of soft power: Public diplomacy in global contexts*, Lanham, MD: Lexington Books.
 17. Holmes, Kim.R (2014). What is National Security?, available at: <https://www.heritage.org/military-strength-essays/2015-essays/what-national-security>.
 18. Islam, Md. Nazmul (2021). Turkish charm and public diplomacy: A literature review and critical assessment on Turkish soft power in the middle eastern countries. *Pamukkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (47), 175-187.
 19. Jenkins, William (2016). Bonyads as agents and vehicles of the Islamic Republic's soft power. In S. Akbarzadeh, & D. Conduit (Eds.), *Iran in the world: President Rouhani's foreign policy* (pp. 155-175). Palgrave Macmillan.
 20. Jödicke, A (2018). Religious soft power in the South Caucasus: The influence of Iran and Turkey. *Brookings*, available at: <https://www.brookings.edu/articles/religious-soft-power-in-the-south-caucasus-the-influence-of-iran-and-turkey/>.
 21. Kahveci, Hayriye; Işık Kuşçu Bonnenfant (2023). "Turkish Foreign Policy Towards Central Asia: An Unfolding of Regionalism and Soft Power". *All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace* 12, no. 2, 195-218. <https://doi.org/10.20991/allazimuth.1310530>.
 22. Karacasulu, Nilufar; Karakır, İrem. Askar (2022). *Humanitarian Foreign Policy as Soft Power: Türkiye as an Emerging Global Actor*. *Uludağ Uluslararası Çalışmalar Dergisi*, 6(2), 121-135.
 23. Kelkitli, Fatma. Asil (2023). Middle Power Foreign Policy Behavior in Peripheral Regions: The Cases of Türkiye and South Korea in Central Asia. *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, 23(2), 399-426.
 24. Majidi, M. Reza; Shojaei, M. Kazem (2021). The Islamic Republic of Iran's Cultural Diplomacy and the Constructed Image of Iran in Central Asia. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 4(1), 33-51.
 25. Makinda, Samuel.M (1998). *Sovereignty and Global Security*, Security Dialogue, Sage Publications, Vol. 29(3) 29: 281-292.
 26. Mamedov, Rashid. T (2023). "Soft Power" as a Part of Turkish Foreign Policy in Georgia. *Vestnik RUDN. International Relations*, 23(4), 734-747.
 27. Mozaffari, A; Akbar, A (2022). Iran's soft power in Azerbaijan: shifting cultural dynamics in the post-Soviet era. *International Journal of Cultural*

- Policy, 29(6), 667–685. <https://doi.org/10.1080/10286632.2022.2135706>.
28. Mozaffari, A; Akbar, A (2023). Heritage diplomacy and soft power competition between Iran and Turkey: competing claims over Rumi and Nowruz. *International Journal of Cultural Policy*, 30(5), 597–614. <https://doi.org/10.1080/10286632.2023.2241872>.
 29. Mozaffari, M (2013). The role of ideology in Iranian foreign policy. In C. Therme, H. E. Chehabi, & F. Khosrokhavar (Eds.), *Iran and the challenges of the twenty-first century: Essays in honour of Mohammad-Reza Djalili* (pp. 189–204). Mazda.
 30. Najafi, Sajad; Yazdanpanah Dero, Kiyumars; Pishgahifard, Zahra; Badiie Azendahi, Marjan (2023). Explaining the key Political Factors Influencing Iran's Defense Power in the Time Horizon of 1410. *Geopolitics Quarterly*, 19(1), 69-95. **[In Persian]**
 31. Nourian, Zeinab; Godarzi, Mahnaz (2022). Comparative Study of Iran and Turkey Soft Power in Azerbaijan. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 27(116), 139-164. **[In Persian]**
 32. Nye, Joseph and Others (2016). *Power and soft balans in international Politics*, translated by Asghar Ghahremanpour, second edition, Tehran: Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
 33. Nye, Joseph.S (1990). Soft Power. *Foreign Policy*, 80, 153–171. <https://doi.org/10.2307/1148580>.
 34. Nye, Joseph.S (2003). *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Cannot Go it Alone*. Oxford University Press: New York.
 35. Nye, Joseph.S (2004). *Soft power: The means to success in world politics*, New York : Public Affairs.
 36. Nye, Joseph.S (2011). *The Future of Power*, New York: Public Affairs.
 37. Nye, Joseph.S (2013). *the future of Power*, Translated by Ahmad Azizi, Tehran: Nei. **[In Persian]**
 38. Nye, Joseph.S (2017). Soft power: the origins and political progress of a concept. *Palgrave Commun* 3, 17008. <https://doi.org/10.1057/palcomms.2017.8>.
 39. Nye, Joseph.S (2023). *Soft power and great-power competition: Shifting sands in the balance of power between the United States and China* (p. 208). Springer Nature.
 40. Omid, Ali (2021). *The Evolutionary Feature of Turkey's Soft Power in the Middle East, 2011-2020*. *Turkey's Grand Strategy*.
 41. Pourjavady, N (2015). *Iranian identity and cosmopolitanism: Sufism and beyond*. London: Routledge.
 42. Ranjbar Derakhshilar, Javad (2024). The organized elimination of the Persian language, The sphere of influence of the Persian language is shrinking, *Insaf*, available at: <https://ensafnews.com/505323/>. **[In Persian]**
 43. Sadeghian, Hasan; Fadaei, Arastoo (2024). *Analyzing Turkey's Soft Power*

- Mechanisms (The Ruling Period of Justice and Development Party). *State Studies*, 9(36), 135-171. **[In Persian]**
44. Salehi Yeganeh, Mehrdad (2023). Pan Turkism and Baku-Ankara Strategic Alliance. *Central Asia and The Caucasus Journal*, 29(121), 55-78. **[In Persian]**
45. Salehnia, Ali; Bakhtyari, Hossein (2018). Prioritization of National Security Threats in the Islamic Republic of Iran through Analytical Hierarchy Process (AHP). *Strategic Studies of public policy*, 8(27), 255-277. **[In Persian]**
46. Shojaie, Amirroham; Niakooee, Seyyed Amir (2024). Iran's Policy Requirements in the South Caucasus after the Second Karabakh War (2020): With Emphasis on Iran-Armenia Relations. *Iranian Journal of Public Policy*, 10(4), 141-154. **[In Persian]**
47. Tabatabaei, S.J (2016). *The decline of political thought in Iran: The problem of Iran's political modernity*. Tehran: Minou Publishing.
48. Taleshi, Kosar; Abbaszadeh Marzbali, Mohsen; Radmard, Mohammad (2024). Ethnic Nationalism and Territorial Expansionism in Pan-Turkism Ideology: Challenges and Solutions for Iran. *National Studies Journal*, 25(100), 29-54. **[In Persian]**
49. Wastnidge, Edward (2015). The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War. *Politics*, 35(3-4), 364-377. <https://doi.org/10.1111/1467-9256.12084>.
50. Wilson, Ernest.J (2008). Hard power, Soft power, Smart power. *ANNALS of the American Academy of Political and Social Sciences*, Issue 616.
51. Yatsenko, Olena (2024). The essence of the concept of "national-patriotic values". *Humanities Studios: Pedagogy, Psychology, Philosophy*, 1(12), 82-88. <https://humstudios.com.ua/web/uploads/pdf/48971-354956-1-PB.pdf>.
52. Yenokyan, Artyom.V (2023). The Importance of Soft Power in Türkiye's Foreign Policy in 2002-2022. *Vestnik RUDN. International Relations*, 23(4), 609-619. doi: 10.22363/2313-0660-2023-23-4-609-619.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

